

سه سفرنامه به عتبات عالیات و حریم شریفین

تألیف حاج مهدی خان آزاده چالستری

• بابک زمانی پور

به دلیل وجود جاده باستانی «دزپارت (نزدبانی، اتابکی، سلطانی، لینج، بختیاری و خوزستان)» بر پهنه آن، به حساب می‌آمده است، بسیاری از اطلاعات تاریخی خود را مدیون نویسندگان سفرنامه‌هایی است که به‌خصوص پس از «ناصر خسرو قبادبانی» شرح مشاهداتشان به عنوان یکی از اسناد فرهنگی - تاریخی این دیار محسوب می‌گردد. منابعی که بدون وجود آنها به علت فقر اطلاعات مکتوب، یافته‌های تاریخی تنها می‌بایست متکی بر اطلاعات باستان‌شناختی، استوار گردد.

بر همین اساس نگاهی به منابع و مأخذ مطالعات تاریخی هر چند معدود ارائه شده در ارتباط با تاریخ این منطقه معلوم می‌دارد که تا چه حد این بررسی‌ها، با تکیه بر اطلاعات سفرنامه‌های کمتر «ایرانی» و بیشتر «غیر ایرانی»، بنیاد نهاده شده‌اند و از این جهت مدیون سفرنامه‌نویسان هستند.

در این میان از جمله سفرنامه‌های «ایرانی» موجود می‌توان به سفرنامه‌های زابین حرمین شریفین «در عربستان» و «عتبات عالیات» در «عراق» اشاره نمود که سهم عمده‌ای را در بین آثار از این دست به خود اختصاص داده‌اند و بنا به ذوق و شوق فردی، مسافران آن اماکن توانسته‌اند علاوه بر معرفی و توصیف

ویژگی‌های مقصد، به طور عمومی تصاویری نوشتاری را از نواحی مختلف «ایران» و نیز «چهار محال و بختیاری» که در حاشیه یکی از راه‌های ارتباطی مهم قرار داشته، در اختیار محققان قرار دهند. از جمله این سفرنامه‌ها می‌توان به سفرنامه به عتبات عالیات و حرمین شریفین اثر حاج مهدی خان آزاده چالستری اشاره نمود.

روان شاد حاج مهدی خان آزاده چالستری معروف به «حاجی خان» در اواخر دوره قاجار در سوم ثور (اردیبهشت)

«که من آزاده افتاده باشم

حقیقت را دل از کف داده باشم

گواهم حق بود بر حق پرستی

از این جامم فلک بخشیده مستی

شدم «آزاده» تا آزاد باشم

هم از آزادی دل شاد باشم»

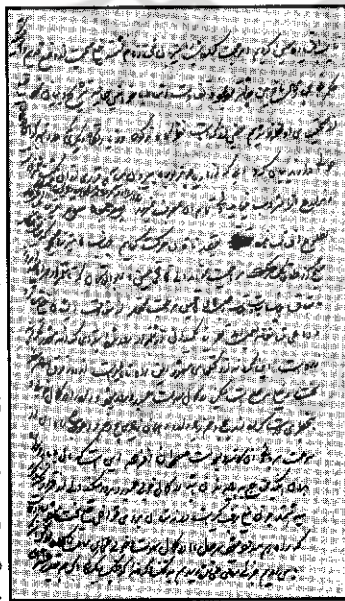
بی‌شک یکی از منابع ارزشمند تاریخی برای تعیین ارزش‌های

فرهنگی و روشن ساختن گوشه‌های تاریک تاریخ ایران در صورت قلت آثار مرتبط با گذشته این سرزمین، سفرنامه‌ها هستند که از خلال مطالب آنها به دلیل برخورد مستقیم نویسندگان با مسائل مختلف فرهنگی - اجتماعی - اقتصادی می‌توان به اطلاعات ذی‌قیمتی دست یافت که به دلایل خاصی چون بی‌توجهی مفرط و مسبوق در سراسر تاریخ این کشور دارای منابع مستقیم و مستدلی نیستند.

در این میان سهم فراوان را می‌بایست به سفرنامه‌نویسان غیر «ایرانی» اعم از «اروپایی» و «آسیایی» واگذار کرد و بخش کمتری را به نویسندگان «ایرانی» اختصاص داد، هر چند این موضوع بدان معنا نیست که سفر در «ایران» مورد توجه قرار نمی‌گرفته است، بلکه به آن معنی است که در عین انجام سفرهای فراوان از سوی

«ایرانیان» نگارش خاطرات و شرح مشاهدات بنا بر دلایل گوناگون فرهنگی - سیاسی در طول تاریخ مورد عنایت واقع نمی‌شده است. امری محتوم که به دلیل تعمیق فرهنگ شفاهی و ریشه نیافتن فرهنگ مکتوب هنوز هم در «ایران» جایگاه ویژه خود را نتوانسته است به دست آورد.

در این میانه منطقه «چهار محال و بختیاری» به عنوان یک منطقه حایل در بین استان‌های «خوزستان و اصفهان (فلات مرکزی [نجد] ایران)» که از دیرباز پل ارتباطی این نقاط



هـ ش / ۲۲ ذیقعدة الحرام ۱۳۸۰ هـ ق / ۸ می ۱۹۶۱ م تا ۲۳ ذیحجة الحرام ۱۳۸۰ هـ ق / ۲۱ خرداد ماه ۱۳۴۰ هـ ش / ۷ ژوئن ۱۹۶۱ م انجام شده‌اند که هر کدام به دلیل شیوه و ابزار سفر شرح و بسطی در خور دارند.

سرانجام این ادیب متقی و بزرگوار در بیست و هفتم بهمن ماه ۱۳۵۸ هـ ش / بیست و نهم ربیع‌الاول ۱۴۰۰ هـ ق / شانزدهم فوریه ۱۹۸۰ م دار فانی را وداع گفت و به سرای باقی شتافت و بنا بر وصیت خود آن مرحوم در گورستان زادگاهش «چالستر (چال شتر)» (واقع در «اشکفتک») مدفون گردید.

مجموعه سه سفرنامه به عتبات عالیات و حرمین شریفین در حقیقت «حج نامه‌هایی» هستند در استمرار نگارش این قبیل آثار با نگاه به اوضاع منطقه «چهار محال و بختیاری» از عصر «ناصر خسرو قبادیانی» به بعد.

سفرنامه‌های ادیب و فرزانه مذکور از جهت زمانی اواخر دوره قاجاریه تا اواسط پهلوی را پوشش می‌دهند و از جهات عدیده قابل توجه و عنایت هستند.

این دفاتر براساس سفرنامه‌های مذهبی این ادیب وارسته به همراه قافله‌هایی که از منطقه چهار محال و بختیاری به عتبات عالیات در عراق و حرمین شریفین در عربستان عزیزت می‌کرده‌اند، به نگارش درآمده‌اند و بر این اساس و نیز بر مبنای اطلاعات میدانی موجود که از خلال مطالب مندرج در آنها به دست آید، می‌توان این مجموعه را از جمله اسناد برجسته مربوط به دوره قاجاریه به بعد به حساب آورد.

سفر اول که از «چالستر (چال شتر)» آغاز شده مربوط به ۲۹ محرم الحرام ۱۳۳۷ هـ ق / ۱۳ عقرب (آبان ماه) ۱۲۹۷ هـ ش / ۴ نوامبر ۱۹۱۸ م می‌باشد که از مسیر جاده «نزپارت (نزدبانی، سلطانی، اتابکی، لیسنج، بختیاری)» صورت پذیرفته هر چند به دلیل وقوع حوادث متعدد تالم آور برای مسافران این کاروان در هنگام خروج از عراق و عزیزت به حجاز از طریق دریا نظیر از دست رفتن همراهان در محدوده بوشهر، ادامه سفر به مقصد عربستان انجام نشده و از این جهت این سفر از طریق بوشهر - اهواز و تعقیب مسیر گذشته به چالستر (چال شتر) ختم گردیده است. این مجموعه در کنار روانی و شیوایی کلام به خصوص

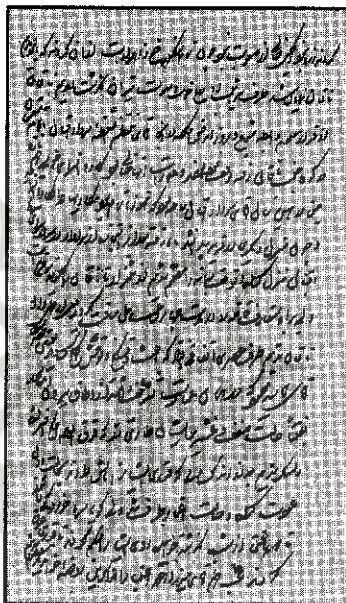
۱۲۷۲ هـ ش / چهارم ربیع‌الاول ۱۳۱۱ هـ ق / ۳۲ آوریل ۱۸۹۳ م در خانواده‌ای اصیل که نسب به حربن یزید ریاحی از قهرمانان حادثه «کربلا» می‌رساند و از عصر «صفویه» به این سو در زمرة متنفذین منطقه به حساب می‌آمدند در «چالستر (چال شتر)» (مرکز حکومتی ناحیه «چهار محال» در اواسط عصر «قاجاریه») به دنیا آمد. پدر وی «سرهنگ» عزیزالله خان متولد و متوفی ۱۳۱۷ - ۱۲۷۰ هـ ق / ۱۲۷۸ - ۱۲۳۲ هـ ش / ۱۸۹۹ - ۱۸۵۳ م از فرماندهان نظامی دوره‌های ناصری و مظفری بوده و در روزگار حکمرانی ظل‌السلطان تا درجه سرهنگی ارتقاء یافته ولی به رغم روحیه نظامی در نگارش

خطوط نسخ و نستعلیق نیز ید طولایی داشته و علاوه بر آن به سرایش شعر با تخلص «طنرل» هم می‌پرداخته‌اند. مادر او نیز جهان سلطان دختر حاج محمدرضا دهکردی از محترمان و متمولین «شهر کرد (دهکرد)» در اواسط دوره قاجاریه بوده‌است.

مرحوم «آزاده» در طول عمر پرنمرس سه سفر به قصد تشریف به «مکه معظمه» انجام داده است که سفر اول در سنین جوانی و از ۱۳ آبان ماه ۱۲۹۷ هـ ش / ۹۲ محرم الحرام ۱۳۳۷ هـ ق / ۴ نوامبر ۱۹۱۸ م تا ۴ رجب المرجب ۱۳۳۹ هـ ق / ۱۲۹۹ هـ ش / ۱۹۲۰ م صورت گرفته که به همراهی مادر، همسر، خدمتکار و لاله ایام کودکی‌اش، «محمد آقا فرزند آقا محمد صادق» از اسلاف خانواده «صادق چالستر» ابتدا به

مقصد «عتبات عالیات» در «عراق» انجام گردیده و پس از آن همگی در قالب کاروان زایران «ایرانی» به سفر «حج» مشرف شده‌اند. آنها به علت بروز گرمزدگی مفرط و در نتیجه مرگ همراهان موفق به اتمام سفر نشده و یکه و تنها به زادگاهش بازگشته است. غم و اندوه حاصله و تأثرات قلبی که از این ماجرا بر ایشان وارد شده تا پایان عمر از تمامی آثار قلمی این مرد وارسته هویدا می‌باشد، همان‌گونه که همواره از نقل و ذکر آن حوادث نیز ملول می‌گردید.

سفرهای دوم و سوم مرحوم «آزاده» به ترتیب از ۱۰ رمضان المبارک ۱۳۳۹ هـ ق / ۱۲۹۹ هـ ش / ۱۹۲۰ م تا ۲ جمادی‌الاولی ۱۳۴۰ هـ ق / ۱۳۰۰ هـ ش / ۱۹۲۱ م و ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۴۰



مجموعه سه سفرنامه به عتبات عالیات و حرمین شریفین در حقیقت «حج نامه‌هایی» هستند در استمرار نگارش این قبیل آثار با نگاه به اوضاع منطقه «چهار محال و بختیاری»

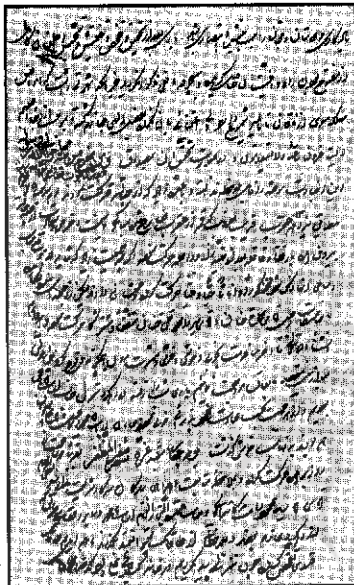
**مرحوم «آزاده»
در طول عمر
پرثمرش سه
سفر به قصد
تشریف به «مکه
معظمه» انجام
داده است**

البته برخی از صفحات سپید رها شده و یا به مرور ایام در برخی از بخش‌های آنها آسیب‌های جدی وارده مانند خوردگی کاغذها و پاک‌شدگی خطوط به خوبی قابل ملاحظه است.

نوع کاغذ دفاتر کاهی بوده و دفاتر اول تا سوم بدون خط‌کشی هستند. نوع خط استفاده شده جهت نگارش متن، نستعلیق خوانا می‌باشد که بنا بر ویژگی‌های روحی مؤلف به‌خصوص به واسطه تألمات وارده در قسمت‌های انتهایی سفر، گاه از جلوه افتاده و صورت تندنویسی پیدا کرده است.

از ویژگی‌های املائی واژگان استفاده شده در این دفاتر، کاربرد کلماتی مانند «چایی» است که به صورت «چاهی» و براساس تلفظ رایج در آن روزگار که نشأت گرفته از شکل بیانی آن در «هندوستان» می‌باشد نگاشته شده‌اند. جوهر استفاده شده در نگارش، مشکی است و تنها مطالب مندرج در صفحه چهاردهم دفتر دوم که در دوازدهم ربیع‌الاول ۱۳۸۳ هـ.ق / ۱۳۴۲ هـ.ش / ۱۹۶۳ م نگاشته شده‌اند با استفاده از جوهر بنفش قلمی گردیده‌اند.

سفر دوم مرحوم «آزاده» از «چالستر (چال شتر)» در شب پنجشنبه دهم رمضان المبارک ۱۳۳۹ هـ.ق / ۱۲۹۹ هـ.ش / ۱۹۲۰ م آغاز شده و از طریق «دهکرد (قهفرخ)، گردنه رخ، اصفهان، کاشان، قم، سلطان آباد (اراک)، همدان، کرمانشاه» به «عتبات عالیات» و از راه دریا به «حجاز» منتهی گردیده است.



از خلال مطالب مندرج در این قسمت می‌توان با فعالیت‌های عمده برخی از رجال و صاحبان اندیشه منطقه و دیگر نواحی نظیر «آیت‌الله سید ابوالقاسم دهکردی، نایب حسین کاشانی، حجت‌الاسلام آقا نورالدین صاحب تفسیر بر «قرآن»، حاجی شیخ عبدالکریم، حاجی سید ابوالقاسم اصفهانی» و کارگزاران دولت‌های انگلستان، عثمانی و عربستان، شهرها، منازل و روستاهای میان راه در غرب ایران، عراق و عربستان، شاخص‌های فرهنگی چون قالی‌های «ساروق»، آرامگاه‌های «حضرت معصومه (س)، ابوعلی سینا، قطب‌الدین فضل‌الله راوندی» و آثار تاریخی مانند «گنج‌نامه، بیستون، طاق بستان و طاق کسری»، مشاهده و بقاع متبرکه معصومین (ع)، گورستان بقیع، مسیرهای حرکت معمول در آن ایام به صورت جاده‌های زمینی و دریایی، خطوط کالسکه، دلچان، اتومبیل و کشتی‌رانی، اختصاصات آب و هوایی هر محل، تأثیر فعالیت‌های نیروی نظامی روسیه، عثمانی و ایران (بختیاری) در نواحی غربی ایران، ایرانیان مقیم عتبات عالیات، قرنطینه‌ها، شیوه بستن احرام و چگونگی انجام مناسک حج، کنسولگری‌های انگلستان در سلطان آباد (اراک)، کرمانشاه،

تألم‌انگیز بودن بخش‌های پایانی، به دلیل بهره‌گیری متناسب و گسترده از آیات، روایات و اشعار گوناگون در جای جای متن که بیانگر توانمندی‌های علمی و ادبی نویسنده است در نوع خود می‌تواند بازگوکننده مفاهیم ذیل باشد:

اندیشه‌ها و شیوه فعالیت معتقدانی چون «بهاییت، یهودیت و فرق درویشی»، اقدامات خوانین «بختیاری»، کوچروان و مردمان حواشی جاده «لینچ (دزیارت، نردبانی، اتابکی، سلطانی، بختیاری و خوزستان)»، معرفی شهرها و روستاهای خوزستان مانند «اهواز، آبادان و خرمشهر و نواحی بیسن راهی در عراق

چون «بصره، ناصری، کوفه، عشار، کوت، قورنه، بغداد، سامرا، کربلا، کاظمین، نجف» و دیگر نواحی چون «بوشهر و عباسک»، شرح حال و اقدامات بزرگان و علمای هر محل از جمله حجج و آیات عظام چون «میرزا محمدتقی شیرازی، سید ابوالقاسم اصفهانی، آقا سید محمد کاظم و منسوبین آخوند خراسانی»، چگونگی وقوع و نتایج حوادث خاص تاریخی نظیر جنگ‌های عثمانی و انگلستان و اثرات اجتماعی بر جای مانده، شیوه‌های فعالیت تجارت‌خانه‌ها و صاحبان سرمایه در جنوب ایران و عراق چگونگی حل و فصل مسایل مالی، انتقال پول و صرافی‌ها، معرفی رسومات مربوط به راهداری و شرح و بسط شبکه‌های ارتباطی جاده‌ای، راه‌آهن و دریایی، معرفی اسامی کشتی‌های متعدد در

میان بنادر مختلف حاشیه اقیانوس هند، دریای عمان و خلیج فارس و مراحل تهیه بلیط در کشتی‌های مسافربری، مشکلات و مصایب مردم هر محل، توضیح ویژگی‌های آثار تاریخی نقاط مورد سیاحت مانند «ایوان مداین»، بقاع و مشاهده متبرکه ائمه معصومین (ع)، سلمان فارسی و حذیفه یمانی و اقدامات کارگزاران دولت‌های عثمانی، انگلستان و ایران در مناطق تحت نفوذ و مسائل دیگری از این دست.

نگارش این قسمت از مجموعه به دو شکل در طول سفر و پس از آن، صورت پذیرفته و تا شب دوشنبه چهارم رجب المرجب ۱۳۳۹ هـ.ق / ۱۲۹۹ هـ.ش / ۱۹۲۰ م به طول انجامیده، هر چند قسمتی هم در دوازدهم ربیع‌الاول ۱۳۳۸ هـ.ق / ۱۳۴۲ هـ.ش / ۱۹۶۳ م به مجموعه افزوده شده است.

این قسمت در سه دفتر با مشخصات ذیل ترتیب یافته و در معرض استفاده دیگران قرار داده شده است:

دفتر اول در یک صد و هفت صفحه در قطع رقیعی بزرگ، دفتر دوم در یک صد و هفت صفحه در قطع جیبی و دفتر سوم در یک صد و هشتاد و شش صفحه در قطع وزیری کوچک، که

عتبات عالیات و حجاز، حرامی‌های بین راه، وهابیه و اقدامات ایشان در عربستان و اقدامات عام‌المنفعه میرزا علی‌اصغرخان اتابک (امین‌السلطان) در آن صفحات، آشنایی یافت.

این سفر پس از اتمام ایام «حج» از طریق بوشهر، شیراز، اصفهان، دهکرد (شهر کرد) و چال شتر (چالستر) در دوم جمادی‌الاولی ۱۳۴۰ هـ ق / ۱۳۰۰ هـ ش / ۱۹۲۱ م به اتمام رسیده است.

نگارش این قسمت نیز همانند سفر اول به دو شیوه در طول سفر و پس از اتمام آن صورت گرفته است. بخش انتهایی این سفرنامه در نهم صفرالمظفر ۱۳۷۸ هـ ق / دوم شهریور ماه ۱۳۳۷ هـ ش / دوم آگوست ۱۹۵۸ م نگاشته شده است.

این سفرنامه در یک دفتر با مشخصات ذیل ترتیب یافته و در معرض استفاده دیگران قرار داده شده است:

یک صد و هفتاد و دو صفحه در قطع رقعی بزرگ به همراه نامه‌ای که در دو صفحه کاغذ تحریر به نام «ابوالقاسم خان آزاده چالستری (برادر مرحوم آزاده)» در تاریخ چهارشنبه بیست و نهم شوال المکرم ۱۳۳۹ هـ ق / ۱۲۹۹ هـ ش / ۱۹۲۰ م نگارش یافته و در آن برخی از ویژگی‌های منازل سفر منعکس گردیده است. نوع کاغذ این دفتر کاهی بدون خط می‌باشد که بر آنها به صورت نستعلیق متن سفرنامه نگارش یافته، هر چند در برخی از موارد، اغلاط املائی در هنگام ارایه واژگان راه پیدا نموده است.

جوهر استفاده شده تا صفحه یک صد و چهل و یکم، مشکی می‌باشد و از این صفحه تا پایان متن سفرنامه از جوهر بنفش بهره شده است.

سفر سوم روان شاد «آزاده» به «حرمین شریفین» در هجدهم اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ هـ ش / بیست و دوم ذی‌عده الحرام ۱۳۸۰ هـ ش / هشتم می ۱۹۶۱ م به صورت یک سفر هوایی از طریق اصفهان - جده انجام شده که حاصل آن سفرنامه‌ای است ارزشمند که از خلال آن می‌توان با این مطالب آشنا شد.

ویژگی‌های هوایی‌های مورد استفاده در این خط هوایی، شرایط پرواز، اختصاصات فرودگاه و شهر «جده»، راه‌های اتومبیل رو در حد فاصل شهرهای عربستان، محصولات کشاورزی شهر مدینه، گورستان بقیع و اختصاصات قبور بزرگان شیعه، اوضاع بازارها، شهر مکه، میهمانسراها، مناسک حج، نرخ کالاهای مختلف، نحوه فعالیت‌های حجاج ایرانی و غیر ایرانی و شرح و بسط پدیده‌های طبیعی میان راه.

این سفر در روز چهارشنبه بیست و سوم ذیحجه الحرام

۱۳۸۰ هـ ق / ۱۷ خرداد ماه ۱۳۴۰ هـ ش / ۷ ژوئن ۱۹۶۱ م به پایان رسیده است.

این سفرنامه در ابعاد نیم‌ربعی بر روی کاغذ معمولی خطدار در دفتری با جلد مقوایی مشکی با استفاده از جوهر بنفش، خودکار مشکی، آبی و مداد نگاشته شده است. صفحات مختلف این دفتر به صورت یک بیاض به نگارش اشعار مختلف شاعر، سخنان بزرگان، شرح برخی از خاطرات روزمره و از صفحه ده تا سی و سه به بیان شرح مشاهدات سفر سوم حج اختصاص داده شده است، هر چند صفحات اول تا سوم متن نیز دچار افتادگی شده و

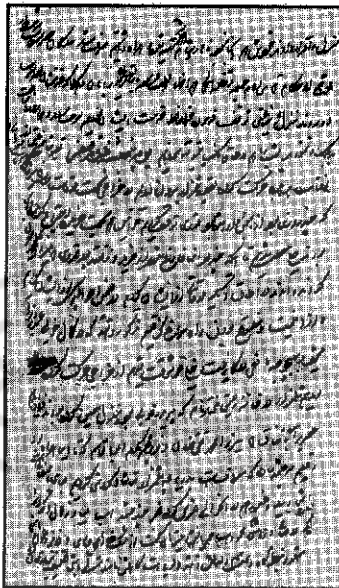
برخی از صفحات میانی دفتر نیز بدون نوشته به جهت تکمیل مطالب توسط نویسنده رها گردیده است.

قسمت اول این مجموعه برای اولین بار به همت مرحوم سرهنگ مرتضی قلی‌آزاده چالستری ۱۳۸۱ - ۱۳۰۶ هـ ش / ۱۴۲۳ - ۱۳۴۶ هـ ق / ۲۰۰۲ - ۱۹۲۷ م، ادیب و فرهیخته معاصر، فرزند نویسنده، مورد توجه قرار داده شده و از روی آنها به صورت گزینشی مطالبی استخراج و در یک دفتر صد برگ به صورت خطی به نگارش درآمد.

از سال ۱۳۷۱ هـ ش / ۱۴۱۳ هـ ق / ۱۹۹۲ م به دنبال توفیق آشنایی نگارنده با مرحوم سرهنگ آزاده کل مجموعه جهت بازخوانی مجدد در اختیار اینجانب قرار داده شد و بر همین اساس دفاتر مربوط به

سفر اول با کمک دوستان پژوهشگر اصغر رضاپوران قهفرخی و سعید کیانپور قهفرخی مورد بازخوانی واقع گردید. در ادامه راه، مجموعه بازم بارها از سوی نگارنده، مورد تدقیق قرار داده شد تا براساس حفظ اصالت‌های موجود در متن در اختیار عموم قرار داده شود. بر همین اساس با نظر سرهنگ آزاده روزشمار موجود در سفرنامه پیش‌بینی گردید و فصل‌بندی‌های جدیدی ایجاد شد تا از یک نواختی متن کاسته شود و زمینه انتشار مناسب این سفرنامه فراهم آید.

قسمت دوم سفرنامه‌ها مربوط به سفر دوم نیز به سعی مرحوم سرهنگ آزاده همانند سفر اول در یک دفتر صد برگ به صورت گزینشی نسخه‌برداری گردیده بود و از سال ۱۳۷۱ هـ ش / ۱۴۱۳ هـ ق / ۱۹۹۲ م با لطف همیشگی آن بزرگوار در اختیار اینجانب قرار گرفت تا به همراه قسمت سوم مجموعه، مربوط به سفر سوم که از سال ۱۳۷۵ هـ ش / ۱۴۱۷ هـ ش / ۱۹۹۶ م در اختیار نگارنده قرار داده شده بود پس از تصحیح و ویرایش به همراه دیگر بخش‌های مجموعه به بازار نشر عرضه گردد.



مرحوم حاج مهدی خان آزاده چالستری از جهت زمانی اواخر دوره قاجاریه تا اواسط پهلوی را پوشش می‌دهند و از جهات عدیده قابل توجه و عنایت هستند